از صفحه اول شروع شود

انترناسیونال ۴۶۶

**مشکل کل حکومت است**

مصاحبه با اصغر کریمی درباره زلزله در آذربایجان شرقی

**انترناسیونال:** زلزله روز شنبه در آذربایجان صدها روستا را ویران کرد و تعداد زیادی کشته و مجروح شدند. اما از همان لحظات اول جمهوری اسلامی سعی در سکوت و پنهان داشتن ابعاد فاجعه زلزله داشت، مقامات رژیم در مقابل مصیبتی که بسر هزاران نفر وارد آمده بود، بی اعتنائی کردند و حتی رسانه های رژیم سعی کردند که کشته و مجروح شدن هزاران نفر را کم اهمیت جلوه دهند. شما دلیل این سیاست جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی می کنید؟

**اصغر کریمی:** در یک کلام دلیل این سیاست ناشی از ماهیت ضدمردمی رژیم و ترسش از به حرکت درآمدن امواج انسانی در کشور بود. صدا و سیمای رژیم تا ده ساعت پس از زلزله مشغول پخش صحنه های عزاداری و برنامه های یومیه خود بود. سر و صداها درآمد گفتند خبر نداشته اند! ما هم حرفی نداریم. اینرا از مسئولین صدا و سیمای رژیم میپذیریم. در این صورت روشن است که کل سیستم حاکم، خبرگزاری هایش، مشغله های مقاماتش، کار ارگانهایش، شغل نمایندگان مجلسش، طوری ساخته و پرداخته شده که با معضلات مردم، درد و رنج مردم، کمک به آنها و در یک کلام با مردم بیگانه است. یعنی مشکل در ضعف خبررسانی نیست، در مدیریت بد نیست، در سفر احمدی نژاد به مکه و غیره نیست، در اینکه رهبران جمهوری اسلامی فورا به مردم پیام ندادند و به منطقه سفر نکردند نیست. مشکل کل حکومت است.

اما سکوت دولت و صدا و سیما در حالی که مردم در زیر آوار جان میدادند و بستگانشان با کمترین امکانات در تلاش برای نجات آنها بودند، دلیل بسیار روشنی دارد. میدانستند که اگر قبل از اینکه ارگانهای امنیتی شان را به منطقه اعزام کنند، مردم با خبر شوند در ابعاد وسیعی به منطقه میروند و کنترل اوضاع از دست حکومت در میرود. پنهان نگهداشتن ابعاد فاجعه و عدم قبول کمک های بین المللی نیز دلیل اصلی اش همین بود. مردم بیشتر تحت تاثیر قرار میگرفتند، سریعتر و وسیعتر به حرکت درمیامدند و این چیزی است که حکومت نمیخواست. علیرغم رفتارهای ضدانسانی رژیم، امنیتی کردن منطقه و تلاش برای جلوگیری از حضور مردم در منطقه، شاهد جنبش و جوش وسیع مردم، تشکیل ستادهای مختلف کمک رسانی و صف های طویل مردم برای دادن خون و یا انبوه ماشین هائی که در جاده های منطقه تصاویرشان منعکس شده، بودیم. حتی رسانه های رژیم هم نتوانستند این صحبت بازماندگان زلزله که فقط کمک های مردمی در روز اول زلزله و همانطور روزهای بعد از آن به داد آنها رسیده را کتمان کنند. میتوان تصور کرد که اگر مانع حکومت و امنیتی کردن فضا نبود این حمایت ها، همبستگی ها و روابط انسانی و لاجرم سیاسی که در میان مردم سراسر کشور با قربانیان این فاجعه شکل میگرفت چه ابعادی بخود میگرفت.

**انترناسیونال:** صدها نفر و بنا به برخی گزارشات حداقل هزار نفر کشته شده و چند هزار نفر مجروح و مصدوم شده اند و بیش از ٢٠ هزار خانه ویران شده است. معمولا زلزله ای با این شدت در بسیاری از کشورهای جهان صدمات بسیار کمتری به مردم می زند. چرا در ایران آمار تلفات دهها برابر بیشتر از سایر نقاط جهان است؟

**اصغر کریمی:** روشن است که دلیل تلفات بالا قبل از هرچیز به کیفیت خانه های مردم و کیفیت خانه ها مستقیما به درآمد مردم مربوط میشود. فقری که رژیم در طول حاکمیتش به کارگران و مردم زحمتکش تحمیل کرده اجازه مسکن سازی مدرن و مستحکم را به مردم نداده است. دلیل دوم مربوط به اقدامات بعد از زلزله است که بدرجاتی در پاسخ به سوال قبل توضیح دادم. رژیم نه خودش به داد مردم رسید و نه اجازه داد مردم کمک کنند. گروههای امدادی که از طرف دولت در منطقه حاضر شدند اساسا صبح روز دوم و آنهم نه در همه روستاها بلکه در برخی از آنها بود. عصر روز شنبه فرصت زیادی داشتند اما کاری نکردند و مسئولین دولتی در منطقه گفتند منتظر دستور رئیس جمهور هستند، شب آنروز گفتند تاریک است و کاری از دستمان ساخته نیست، عصر یکشنبه هم خیالشان را راحت کردند گفتند کسی زیر آوار نیست و کار گروه های امداد پایان یافته است چیزی که تعجب همگان حتی در کشورهای اروپائی را برانگیخت. باز این مردم بودند که تا سه روز بعد همچنان برخی عزیزانشان را با کمترین امکانات زنده از زیر آوار بیرون آوردند. بیمارستانی در این منطقه نبود، رژیم به گفته برخی از مسئولین دولتی حتی چادر و غذای کافی و بموقع نتوانست به چند ده هزار زلزله زده برساند و یا امنیت آنها را در مقابل حیوانات وحشی حفظ کند. طبیعی است با وجود چنین رژیمی آمار تلفات بالا میرود. زلزله های قوی تر از این در ژاپن و آمریکا تلفاتی نداشته است. اینهمه دربدری و آوارگی و خانه خرابی و اینهمه درد و زجر برای توده های وسیع مردم نداشته است.

بنظر من زلزله در آذربایجان شرقی یکبار دیگر بیگانگی کامل این رژیم با مردم و ترسش از مردم را بخوبی عیان کرد.

**انترناسیونال:** همانطور که گفتید ٢٤ ساعت پس از بروز زلزله مقامات رژیم اعلام کردند که عملیات تجسس پایان یافته است. این خبر در سایر کشورهای جهان موجب تعجب شد. معمولا عملیات آواربرداری و جستجو در مناطق زلزله زده که به این میزان خرابی داشته اند، حداقل تا یک هفته ادامه دارد. بر اساس گزارشات انتشار یافته سه روز بعد وقوع زلزله افرادی از زیر آوار نجات پیدا کردند. جمهوری اسلامی چرا چنین عجولانه تصمیم به توقف عملیات جستجو کرد؟

**اصغر کریمی:** همانطور که توضیح دادم رژیم نمیخواست هیچ دریچه ای بطرف کمک های مردمی و ایجاد روابط انسانی بین مردم شکل بگیرد. سکوت اولیه صدا و سیما، پنهان کردن ابعاد فاجعه و اعلام فوری عملیات تجسس هدفش این بود که این دریچه را فورا ببندد و خیال مردم را راحت کند! که همه چیز به خیر و خوشی تمام شده است و آب سردی بر تب داغ انساندوستی مردم بریزد. اما بنظر من این سیاست شکست خورد. هرچند ابعاد کمک رسانی و به حرکت درآمدن مردم را بسیار کاهش داد اما سیاست سکوتش با خبررسانی از طریق مردم و رسانه های مردمی که حتی برخی رسانه های وابسته به رژیم را هم مجبور به پوشش دادن خبرها کرد کاملا شکست خورد بطوری که صدا و سیما هم مجبور به عذرخواهی و هذیان گوئی شد و کاروان های همبستگی هم از نقاط مختلف کشور بطرف آذربایجان براه افتاد. هم چهره کثیف رژیم و ارگانها و آیت اله ها و مقاماتش در این جریان خود را به نمایش گذاشت هم چهره انساندوستانه و هوشیارانه مردم. اظهارات ضدانسانی آیت اله ها و امام جمعه ها که گفتند این امتحان الهی بوده نیز فقط باعث میشود که ته مانده اعتقادات مذهبی بسیاری از مردم نیز برای همیشه بدور انداخته شود.

**انترناسیونال:** از اولین ساعات پس از وقوع زلزله جمهوری اسلامی نیروهای امنیتی، نظامی و شبه نظامی خود را به منطقه زلزله زده فرستاد. رژیم بشدت تلاش می کند تا از ورود اکیپ های کمک رسانی مردمی و یا بین المللی به منطقه جلوگیری می کند، دلیل این کار رژیم چه می تواند باشد؟

**اصغر کریمی:** واقعیت این است که رژیم های ضد مردمی از همه چیز میترسند و حق هم دارند. از شادی مردم، از تجمعات ساده مردم، از حضور وسیع در استادیوم ها تا برد و باخت تیم فوتبال چه رسد به پس لرزه های اجتماعی زلزله که بلافاصله زندگی اسفبار دهها و صدها هزار نفر از مردم و اوضاع فلاکت بار و نیاز مردم به نوعدوستی را مقابل چشم جامعه قرار میدهد و به جلو صحنه میاورد. بیشترین نیروی رژیم و جابجا کردن افراد نه برای کمک که برعکس برای امنیتی کردن منطقه و کنترل اوضاع صرف شد. جلوی بسیاری از کاروان های امداد مردم گرفته شد، عده ای دستگیر شدند و بعضا تلاش کردند لباس بسیج به مردم انساندوست بپوشانند تا کمک های مردمی را دولتی جا بزنند. اما همه اینها به افشای بیشتر چهره کثیف حکومت حتی از جانب برخی باندهای خود حکومت شد. این موقعیت عمومی تر جمهوری اسلامی را نشان میدهد. این نکته بسیار مهمی در تصویر وضعیت رژیم، محاصره شدن در دریای خشم مردم و رابطه اش با مردم است.

**انترناسیونال:** در شهرهای مختلف ایران گروههای مختلف امداد رسانی بویژه از طرف دانشجویان و یا تشکل های کارگری تشکیل شده، ساعتها مردم برای اهدای خون در صف می ایستند و هزاران اتومبیل برای کمک مستقیم به مردم به منطقه رفته اند. شما برای کمک به زلزله زدگان چه توصیه ای به مردم دارید؟

**اصغر کریمی:** عکس العمل مردم بسیار زیبا و علیرغم سکوت رسانه های رژیم و تلاش حکومت برای جلوگیری از کمک رسانی مردم، نسبتا وسیع و سراسری بود. مردم بحق به رژیم هیچ اعتمادی ندارند و تلاش کردند خود مستقلا دست به کاری بزنند. انساندوستی مردم، احساس نزدیکی عمیق به یکدیگر که یک دلیلش وجود دشمن مشترکی به نام جمهوری اسلامی است و اینکه مردم میدانند رژیم قرار نیست به داد مردم برسد و خود مردم باید به یاری همدیگر برخیزند و در عین حال با اینکار به رژیم تودهنی بزنند، منجر به تحرک نسبتا وسیعی از جانب مردم شد. اقدامات مردم را در چند سطح میتوان توضیح داد. اقدامات مربوط به روزهای اول از اهدای خون تا کمک به نجات زخمی ها و کمک به تامین پوشاک و غذا و غیره. این اقدامات علیرغم مانع تراشی های رژیم باید ادامه یابد. ستادهائی که تشکیل شده و روابطی که میان مردم به این منظور شکل گرفته را باید تلاش کرد مستحکم تر شود و به شبکه های مبارزاتی ارتقا یابد. یک مساله دیگر تلاش برای اعتراض جمعی به رفتار وقیحانه رژیم با مردم زلزله زده است. در همه شهرها و بویژه در شهرهای آذربایجان باید کاروان های بزرگ امداد راه انداخت و در مقابل مانع تراشی رژیم دست به اعتراض جمعی زد. اما معضلات زیادی در طولانی مدت گریبان بر دوش مردم این منطقه سنگینی خواهد کرد. درد از دست دادن صدها عزیز از دست رفته و صدها معلول این فاجعه و آسیب های روحی بویژه کودکان از یکطرف و نداشتن مسکن و فقر بیشتری که گریبانگیر این مردم میشود مسائل مهمی است که باید مورد توجه همه مردم قرار گیرد. دولت مسئول تمام خسارات انسانی و مادی این واقعه است و باید به رایگان تمام خانه ها را با استاندارد بالا بازسازی کند و زندگی خانواده هائی که سرپرستشان را از دست داده اند تامین کند. بیشترین امکانات آموزشی و ورزشی و تفریحی باید به کودکان اختصاص یابد. برای اینها باید مبارزه کرد. اینها را باید به پرچم مبارزه علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد. نهادهای مدافع حقوق کودک در این میان اقدامات مهمی میتوانند در کمک به کودکان این منطقه در دستور بگذارند و توجه کل جامعه را به این مساله جلب کنند و به این طریق دولت را تحت فشار قرار دهند. مردم باید برای مدت طولانی از وضعیت زلزله زدگان گزارش و فیلم و عکس تهیه کنند و افکار عمومی را مطلع نگاهدارند. تجربه لاقیدی رژیم در جریان زلزله بم را همه شاهدند که علیرغم گذشته هشت سال از آن واقعه هنوز خانه های مردم بازسازی نشده و فقر و ناامنی بیشتری دامن آنها را گرفته است.

یک نکته دیگر مقابله با سیاست های فاشیستی قومپرستان آذری است که بلندگوی آن گوناز تی وی است. رژیم جلو گروههای امداد مردمی از نقاط مختلف کشور را میگیرد و قومپرستان ترک در تکمیل کار رژیم، تبلیغات فاشیستی کثیفی راه انداخته و علیه "فارس ها" پروپاگاند میکنند. مردم نشان دادند که این مرزهای غیر انسانی را برسمیت نمیشناسند و باید محکم به مقابله با این تبلیغات مسموم و غیر انسانی برخیزند. این نیز جنبه دیگری از کاری است که بر دوش مردم آگاه، سوسیالیست ها و کمونیست ها است.

در این تردید نیست که اگر رژیم مانع نشده بود صدها هزار نفر از آذربایجان و از سراسر کشور علیرغم اینکه اکثر مردم دستشان خالی است، به حرکت در میامدند، کمک های مادی میکردند و همبستگی خود را با مردمی که قربانی فقر و زلزله جمهوری اسلامی شدند نشان میدادند، خود را سازمان میدادند و با مصاحبه با مردم داغدار و آسیب دیده، فیلم و تصویر و غیره مردم سراسر کشور و حتی جهان را مطلع میکردند، نیازها را اعلام میکردند و مردم را به کمک میطلبیدند، کاروان های انسانی بزرگی از اقصی نقاط کشور و حتی بسیاری از نقاط جهان را بطرف مناطق زلزله دیده گسیل میکردند، تجمعات بزرگی شکل میدادند، انواع امکانات مادی و روحی برای کودکان فراهم میکردند و فضائی از همبستگی عمیق انسانی، اعتماد به نفس، اعتماد به یکدیگر و امید به ساختن و درست کردن و آینده و جلوه هائی از باشکوه ترین همبستگی های انسانی را فارغ از مرزهای کاذب ملی به نمایش میگذاشتند و علاوه بر تامین نیازهای اسکان و خواب و غذا، آلام روحی آسیب دیدگان را به حداقل میرساندند. این اتفاق در این ابعاد می افتاد اگر رژیم کثیف اسلامی سر کار نبود.

**انترناسیونال:** در خارج کشور چه می توان کرد؟

چهره کثیف حکومت اسلامی و چهره انساندوستانه مردم ایران را باید به افکار عمومی دنیا نشان داد و از این طریق همبستگی با مردم ایران برای بزیر کشیدن حکومت جنایتکار اسلامی را گسترش داد. بنظر من این مهمترین اقدامی است که باید در خارج کشور در دستور گذاشت. صرفنظر از اینکه هرجا امکانپذیر باشد باید آکسیون های اعتراضی و برنامه هائی در همبستگی با مردم زلزله زده نیز سازمان داد.